

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت
www.m-hekmat.com

۳۰ دی ۱۳۸۸، ۲۰ ژانویه ۲۰۱۰ چهارشنبه ها منتشر میشود

Iskraa_nkk@yahoo.com

سر دبیر: منصور فرزاد - عبدال گلپریان

ایسکرا ۵۰۲

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



ناصر اصغری

ارتجاع حزب دمکرات کردستان در این دوره

ناسیونالیسم کرد در دوره اخیر چهره اصلی خود را که سالهاست چپ جامعه اهداف آن و خواب و خیال که این گرایش برای جامعه دیده را توضیح داده و درباره اش گفته است، عریان رو به جامعه گرفته است. کسانی که ورجه ورجه کردنهای این اواخر این ناسیونالیسم را به دقت دنبال کرده باشند، شاهد یک ارتجاع تماما عیار در این کمپ خواهند بود. نمونهها زیادند: خالد عزیزی،

دبیرکل حزب دمکرات کردستان خواهان مذاکره با جمهوری اسلامی است و می گوید که از شعار سرنگونی جمهوری اسلامی دست صفحه ۳

نگرانی احزاب ناسیونالیست کرد از رادیکالیسم انقلاب

پرداخته اند که با برخی از سیاستهای تاکتونی آنها متفاوت بوده است. مصطفی هجری در نوشته ای که به زبان کردی در سایت بیان منتشر شده است، به حرکت مردم و شعارهای ۱۳ آبان و عاشورا اشاره می کند و می گوید: بدنبال تظاهرات سیزده آبان و بویژه تظاهرات روز عاشورا، از سوی اپوزیسیون- جنبش سبز در تهران، این حقیقت عیان تر شده است که شکل گیری این پوزیسیون در چند ماه اخیر شاخه های هر دو حزب دمکرات کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران به طرح مواضع و سیاستهایی



عبدال گلپریان

در چند ماه اخیر شاخه های هر دو حزب دمکرات کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران به طرح مواضع و سیاستهایی

حجاب این سمبل بردگی را باید بدور انداخت

۱۳۵۸ با تظاهرات خیابانی گسترده ای و با شعارهای رادیکال مانند " ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم " ، "نه روسری نه تو سری" لوزه بر اندام رژیم تازه بقدرت رسیده اسلامی انداختند که بلافاصله بعد از آن نیز رژیم با اتکا به زندان، شلاق، شکنجه، حجاب اجباری و اسید پاشی هجوم وحشیانه خود را به زنان آغاز کردند و از همان ابتدا تا به امروز با تصویب و اجرای قوانین ضد انسانی تعرض به منزلت انسانی زنان را گسترش دادند اما هیچگاه نتوانستند صدای برابری طلبانه زنان را خفه کنند. بعد از حماسه مردم در روز ششم دیماه، درست در زمانیکه مردم برای به زیر کشیدن حکومت وحشت و دادند بطوریکه زنان در ۱۷ اسفند



آوات فرخی

از همان سالهای اول تحمیل حکومت سیاه اسلامی بر جامعه ایران، زنان همواره علیه قوانین و فرامین این حکومت لحظه ای از مبارزه برای حقوق برابر و انسانی خود کوتاه نیامده اند و از همان ابتدا به این حکومت پاسخ نه خود را دادند بطوریکه زنان در ۱۷ اسفند

بیانیه حزب کمونیست کارگری درباره تعرض قدرتمند انقلاب، وحشت جناحهای حکومتی!

صفحه ۲

کانال جدید بزودی برنامه های ۲۴ ساعته خود را شروع خواهد کرد

صفحه ۴

ما برای بقا می جنگیم و شما برای سود بیشتر شاپور احسانی راد

صفحه ۵

دیگر ورق برگشته است / سخنی با مسئولین و مأمورین رژیم اسلامی

محمد امین کمانگر

صفحه ۵

همه قوانین ضد انسانی اسلامی و از جمله سنگسار باید از ایران جارو شوند!
این فرمان انقلاب مردم است!

مینا احدی

صفحه ۶

زندگی بهتر حق کارگر است بیانیه اعلام موجودیت شورای موقت کارگران ذوب آهن

صفحه ۷

دستفروشان و مردم مبارز سندج تهاجم ماموران رژیم را ناکام گذاشتند

صفحه ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بیانیه حزب کمونیست کارگری درباره تعرض قدرتمند انقلاب، وحشت جناحهای حکومتی!

دوره فراتر رفتن از تظاهرات و راهپیماییها و دوره شکل دان به شورش و قیام شهری است. باید برای تعرض بیشتر و کوبنده تر، برای باریکاد بندی خیابانی، فراری دادن اوباش حکومتی از محلات و خیابانها، یورش به مقرات نیروهای سرکوبگر، بدست گرفتن کنترل خیابانها، تصرف دستگاههای دروغ و لجن پراکنی علیه مردم نظیر صدا و سیما، اسلامی و روزنامه کیهان و غیره، آماده شد. روزهای سالگرد قیام بهمین فرامیرسد. این فرصت مناسبی برای وارد کردن ضربه ای بمراتب قدرتمند تر و خرد کننده تر به ماشین سرکوب و آدمکشی جمهوری اسلامی است. با تمام امکانات برای وارد آوردن ضربه نهائی به حکومت روموت جمهوری اسلامی آماده شویم.

زنده یاد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی!
سرتگون باد جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ دی ۸۸، ۱۶ ژانویه ۲۰۱۰

"بیانیه داهیهانه" این و آن قلمداد کنند! از سوی دیگر از آنجا که متوجه نزدیکی جناح مغلوب به جناح خامنه ای شدند خود کوشیدند تا بیانیه های قدری رادیکالتر از موسوی ارائه دهند تا شاید مردمی که از موسوی و کروی عبور کرده اند لای عبا ای این حضرات گیر کنند. اما مردم با خیزش ۶ دی به نحو قاطع و صریحی حساب خود را از طیف نیروهای اپوزیسیون حافظ نظام نیز جدا کردند. اکنون که با پیشروی انقلاب دستگاه سرکوب حکومت ضربه خورده و کل نظام جمهوری اسلامی در آستانه فروپاشی قرار گرفته است، حضرات پاسدار بازجوهی سابق و دگراندیشان امروز حتی موقعیت تقلبی فعلی خود را نیز بسرعت از دست خواهند داد.

اما علیرغم و در مقابل تمام تشیبات جناحهای حکومت و اپوزیسیون ملی-اسلامی آن، با ۶ دی دوره تعرض انقلاب و پیشروی برای درهم شکستن کامل نیروهای سرکوبگر رژیم آغاز شده است. این

جمهوری اسلامی برد داشت. با ضربه مهلکی که خامنه ای و دستگاه سرکوب در ۶ دیماه دریافت کرد این تلاش ها نیز بجائی نخواهد رسید. این نوع تشیبات دورن حکومتی برای "خروج از بحران"، فی الحال در خیابانها پاسخ محکمی از مردم دریافت کرده است. تنها راه حل بحران جمهوری اسلامی، سرنگونی کل این نظام آدمخوار است.

و بالاخره خیزش ۶ دی نه فقط شکست سنگین خامنه ای و کل جناح های جمهوری اسلامی بود، بلکه شخصیتها و محافل ملی-اسلامی برون مرزی هوادار یا نیمه هوادار موسوی، طیف نیروهای اپوزیسیون حافظ نظام، را نیز به هراس و سراسیمگی انداخت. اینها که دائم موعظه "خسوت نکند" میکردند، وقتی انقلاب با اقدام قاطع خود، اوباشان انتظامی حکومت را در خیابانها تارومار کرد و خامنه ای را ولو موقتا مجبور به عقب نشینی کرد، کوشیدند که این وضعیت را نتیجه



خیزش شورانگیز مردم در ۶ دیماه (عاشورا) نقطه عطفی در روند انقلاب جاری بود که صحنه سیاست ایران را در داخل و خارج به زیان رژیم حاکم و اپوزیسیون حافظ نظام و به نفع مردم و انقلاب تغییر داد. اکنون انقلاب مردم برای آزادی و برابری و رفاه با تکیه بر دستاوردهای ۶ دیماه با قدرت و اعتماد به نفس بیشتر برای تعرض نهایی بر حکومت اسلامی فقر و جنایت و تبعیض به پیش میرود.

تظاهرات ۶ دیماه که در نقاطی از تهران شکل و شمایل قیام شهری به خود گرفت، ضربه ای جبران ناپذیر بر دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی یعنی تکیه گاه اصلی اقتدار و سیاست های خامنه ای وارد کرد. مردم با شعارهای رادیکال و ضد حکومتی به نیروهای انتظامی تا دندان مجهز حمله بردند و علیرغم همه جنایات اوباش اسلامی آنان را در خیابانها فراری دادند. تدارک سراسیمه تظاهرات دولتی ۹ دی ماه و نعره های "اعدام میکنیم" و تبلیغات سنگین صدا و سیما نیز نتوانست توازن قوا را تغییر دهد. برعکس، مایه تمسخر و نشانه استیصال حکومت قلمداد شد. خامنه ای به ناگزیر در سخنرانی ۱۹ دی از نعره های قبلی کوتاه آمد و بر "غبار آلودگی" اوضاع و "صبر" و در عین حال "قاطعیت به موقع" تاکید گذارد. با به دیوار خوردن مشت آهنین رژیم، جناح میانه "اوسولگرا" میدان بیشتری یافت و عملا اجرای بندهایی از پلانترم رفسنجانی برای "عبور از بحران"، نظیر "مناظره" های تلویزیونی اخیر، در دستور حکومت اسلامی قرار گرفت. اما این "شینین صدای انقلاب" به سبک

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۰- تأمین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان

این فرمان جنبش آزادخواهانه مردم است. اینها خواستهای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هر کس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند. مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
 ۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

احضار سه تن از فعالین کارگری دستگیر شده در پارک لاله تهران به دادگاه انقلاب در مقابل احضارها، دستگیری‌ها بایستیم



امنیتی بازداشت و به مدت یکماه واندی در زندان اوین در بازداشت بود و سپس با قرار وثیقه پنجاه میلیونی تومانی از زندان آزاد شد.

برپایی مراسم اول مه حق همه کارگران است. کارگران نیشکر هفت تپه صرفاً بخاطر اعتراض برای گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده خود و ایجاد تشکل خود، سندیکای نیشکر هفت تپه در زندانند. اعتصاب، تشکل حق مسلم ماست. و این احضارها، تهدیدات و دستگیریها را محکوم میکنیم و از همه کارگران، همه مردم و همه سازمانهای کارگری در سراسر جهان میخواهیم که همراه با ما فشار بیاورند برای اینکه تمامی پرونده‌های تشکلی شده برای کارگران و فعالین عرصه‌های مختلف اجتماعی، لغو شود. احضارها فوراً متوقف شود و همه دستگیر شدگان و همه زندانیان سیاسی فوراً از زندان آزاد شوند.

باید جلوی احضار فعالین اول مه و بازداشت آنها ایستاد. فعالین دستگیر شده اول مه را تنها نمیگذاریم و با تجمع خود مقابل دادگاه و شعبه‌های دادگاه انقلاب نمیگذاریم که این عزیزان راهی زندان شوند.

باید جلوی زندان و بازداشت و احضارها را با اتحاد و مبارزه خود بگیریم. و یکصدا خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی شویم.

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری دیماه ۸۸

به دنبال احضار فعالین کارگری و دستگیر شدگان روز جهانی کارگر در پارک لاله، آقایان محمدی اشرفی، مهدی آمیزش، یونس ارژنگ هر یک به یک سال حبس و جریمه نقدی محکوم شده‌اند. این در حالیست که هنوز بعد از گذشت چند ماه مهدی فراهانی شانین از دستگیر شدگان پارک لاله همچنان در زندان بسر می برد و ۶ تن از اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه نیز در زندانند.

از سوی دیگر فشار مضاعفی بر کارگران و فعالین کارگری و دستگیر شدگان روز جهانی کارگر ادامه دارد، از جمله علی رضا ثقفی، محسن ثقفی و بهنام ابراهیم زاده از دستگیر شده گان پارک لاله نیز به دادگاه فرا خوانده شدند. علی رضا ثقفی و محسن ثقفی که بعد از محمد اشرفی ویونس ارژنگ به دادگاه فراخوانده شده بودند طی روزهای اخیر بهشون اطلاع داده اند که در تاریخ بهمن ماه یعنی ۳ بهمن ۸۸ باید به دادگاه مراجعه کنند. همچنین طی روزهای اخیر به بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری ووبلاگ نویس و از فعالان حقوق کودک نیز اطلاع داده اند که باید در تاریخ ۲۸ دی ۸۸ به دادگاه انقلاب شعبه چهاردهم مراجعه کنند.

بهنام ابراهیم زاده از فعالین کارگری و از اعضای یکی از تشکلهای آزاد کارگری و فعالان حقوق کودک و عضو جمعیت دفاع از کودکان است. او در روز جهانی کارگر در پارک لاله توسط نیروهای

هم نیست و علنا خواهان مذاکره با جمهوری اسلامی شده‌اند، این نیرو را رسماً در کمپ مقابل مردم قرار می دهد. امروزه بندرت نیروی را می توان اسم برد که جمهوری اسلامی را یک نیروی ماندنی بداند. همه تسبیحش را انداخته اند و دارند به فردای بعد از جمهوری اسلامی، که در محاسباتشان چندان دور هم نیست، فکر می کنند. در این حین و بین نیروی پیدا شده است که تا دیروز اتفاقاً منتظر حمله آمریکا به ایران بود و می خواست مانند ناسیونالیستهای کردستان عراق زیر بمبهای جورج بوش در کردستان ایران صاحب نان و نوائی بشوند، امروز به داد جمهوری اسلامی رسیده و رسماً اعلام کرده است که مبارزه با جمهوری اسلامی را فعلاً راکد گذاشته اند! اهمیت این موضوع به نظر من از این سر نیست که خالد عزیزی و یا کس دیگری از کمپ ناسیونالیسم کرد اعلام کرده است که مبارزه با جمهوری اسلامی را تعطیل کرده است. مبارزه شان با جمهوری اسلامی هیچوقت چنگی به دل نزده است. اهمیت آن زمانی عیان می شود که کل تصویر جامعه ایران را جلوی خود بگیریم. حزب دمکرات با اعلام این موضوع رسماً مردم را در کردستان که جنبش سرنگونی انتظار دارد کردستان هم به این روند بپیوندد، از پیوستن به موج مبارزه سرنگونی طلبانه منع می کند و فراخوان سازش با جمهوری اسلامی داده است. ما دقیقاً از ساخت و پاخت بین حزب دمکرات کردستان ایران با برادران خود در کردستان عراق مطلع نیستیم، اما می دانیم که ناسیونالیستهای کردستان عراق نقش پادوی بین حزب دمکرات کردستان در ایران و دولت جمهوری اسلامی و کنسول آن در کردستان عراق بازی می کنند. هر جریانی که در سرپا ماندن جمهوری اسلامی دستی داشته باشد، در چشم جامعه شریک جرم است.

۱۸ ژانویه ۲۰۱۰

ارتجاع حزب دمکرات کردستان ...

ازصفحه ۱

کشیده است. عبدالله مهتمندی سردهسته سازمان زحمتکشان اعلام می کند که منتظری در قلب ایشان جای داشته. مصطفی هجری به کادراهی حزب دمکرات کردستان ایران گفته است که بروید از موضوع مذاکره با جمهوری اسلامی دفاع قاطعانه بکنند نه خجولانه. بازی با سرنوشت مردم کردستان و مذاکره و بند و بست با رژیمهای مرکزی از خصوصیات اصلی ناسیونالیسم کرد است. منتتها ارتجاعاشان علی العموم از این سر نیست. گرچه در چشم یک انسان شریف خود این به اندازه کافی ارتجاعی هست. اما ارتجاع این دوره ناسیونالیسم کرد در تقارن این ورجه و رجه کردنها با اوج گرفتن مبارزه سرنگونی طلبانه مردم ایران بر علیه جمهوری اسلامی است. دریا ناسیونالیسم کردی که بر علیه جمهوری اسلامی مبارزه مسلحانه نکرده و در فضای علنی کردستان ایران فعالیت می کند، باید جای دیگری بحث کرد. اینجاست می خواهم تمرکز بحث را بر سر حزب دمکرات کردستان.

حزب دمکرات کردستان ایران تاریخاً اصلی ترین نیروی نماینده آمال و امیال ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران بوده است. این موضوع امروز در هر دو بخش حزب دمکرات کردستان که خود را ادامه دهنده حزب دمکرات کردستان ایران دوره قبل از جدائی‌ها، دوره قاضی محمد و عبدالرحمان قاسملو میدانند صادق است. چرا که اصولاً مواضع متفاوتی را در نمایندگی کردن منافع بورژوازی کرد دنبال نمی کنند. هر دوی این نیروها عمدتاً دنبال مذاکره با جمهوری اسلامی هستند و خواهان بند و بست با هر نیروی هستند که آنها را بعنوان رئیس پاسگاههای روستاهای اطراف شهرها به رسمیت بشناسد.

اما در کل نه جامعه علی العموم و نه نیروهای چپ از این منظر به این جریان نگاه نکرده است. تا جایی که هنوز هم اگر شنیده شود این جریان

در حال مذاکره و یا صحبتی از مذاکره با جمهوری اسلامی به میان آورده است، همه تعجب می کنند. دلیل اصلی آن هم به خود جامعه کردستان برمیگردد. جامعه کردستان از همان روز اولی که جمهوری اسلامی بر سر کار آمد، با این رژیم نساخت و خواهان سرنگونی آن بود. هر نیروی که چراغ سبزی به این رژیم نشان می داد، در این جامعه انگشت نما می شد. این جامعه از هر نیروی که آنجا فعالیت سیاسی میکرد، انتظار داشت که با جمهوری اسلامی به قصد سرنگونی مبارزه کند. حزب دمکرات کردستان هم اساساً از این سر که دارد با جمهوری اسلامی مبارزه می کند و تا جایی که جلو صحنه بود چنین می نمود، بعنوان یک جریان سرنگونی طلب شناخته شده بود و هر بند و بست را با جمهوری اسلامی را مجبور بود پشت پرده و حتی به دور از چشم و گوش اعضا و کادراهی خود انجام داده و بجلو ببرد؛ گرچه رسماً در مصوباتشان خود را یک نیروی مذاکره کننده برای رسیدن به اهدافشان معرفی کرده بودند، اما زیر فشار رادیکالیسم موجود و سرنگونی طلبانه در رفتار کنند.

برای خود من گرچه ناسیونالیسم کرد یک نیروی مرتجع بوده و بخصوص حزب دمکرات کردستان که در هر موردی در کشمکش بین مالکین و دهقانان، مسئله زن به زن کردن دختران، ضدیت با آزادی زن، مقابله با آتالیسم و گرفتن زیر بغل ملا و مفتی روستا و غیره یک نیروی بشدت مرتجع بوده، اما با این نیرو مثل یک نیروی اپوزیسیون جمهوری اسلامی برخورد کرده‌ام. اما زمانی که جامعه وارد یک تلاطم انقلابی می شود و صف بندی نیروها معنا و مفهومی بسیار فراتر از دعوا و مرافعه بین مالکین و دهقانان پیدا می کند، اعلام مذاکره با جمهوری اسلامی، که اتفاقاً این بار پشت پرده

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

نگرانی احزاب ناسیونالیست کرد ...

از صفحه ۱

هجری بعد از بررسی از اوضاع سیاسی و به زعم او نیروهای دخیل در اوضاع سیاسی امروز، نتیجه می گیرد که این جنبش فاقد رهبری است و از آنجا که "جنبش سبز" (که منظور ایشان موسوی و کروبی است) در روند اوضاع سیاسی دخیل هستند باید به شکلی رهبری خود را بر این حرکتها اعمال کنند و سپس می افزاید که باید موسوی - کروبی و جریان اصلاح طلب حکومت را تقویت کرد تا از این درجه بتوان به دمکراسی و فدرالیسم در ایران رسید.

لینک اظهارات مصطفی هجری

<http://www.beyan.info/Direje.aspx?C=Witar&J=374>

نکاتی زیادی در این نوشته هجری طرح شده است اما من به نکاتی که بالاتر به نقل از او اشاره کردم می پردازم.

دو نکته در این موضعگیری هست که ضمن اینکه چندان هم تازگی ندارد اما پرداختن به آن در شرایط متحول و انقلابی امروز اهمیت دارد. یکی دست گذاشتن ایشان بر روی شعارهای رادیکالی که پایه های حکومت را بلرز درآورده و دیگری تامین رهبری توسط جناح اصلاح طلب و مغضوب حکومت.

امروز دیگر خود موسوی و کروبی و دیگر جریان های مذهبی و اصلاح طلبان حکومتی این را بخوبی دریافته اند که شعارهای سر داده شده در ۱۸ تیر، ۱۳ آبان، ۱۶ آذر و ۶ دیماه، همه دارو دسته های حکومت را نشانه رفت و هیچ شبه ای برای کسی باقی نگذاشت که این حکومت با تمام شاخه هایش باید جارو شود.

اما تا جائیکه به هر دو شاخه اصلی حزب دمکرات و دیگر بخشهای بریده شده از آن و دیگر جریان های ناسیونالیست قومی کرد بر می گردد، برای آنها نیز به هر اندازه که این شعارها رادیکالتر شود و تمام ستون فقرات حکومت را فرو بریزد نگران کننده و غم انگیز است. برای حزب دمکرات خالد عزیزی رادیکالیسم این شعارها تا آن درجه نگران کننده است که به تکاپو برای مذاکره با رژیم می کشد و نفسه های آخرش را می کشد افتاده است. برای

جناح هجری نیز این نگرانی آنجا خود را نشان می دهد که می خواهد جناح مغضوب را بعنوان رهبر و ناجی برای سد کردن این رادیکالیسم بعنوان راه حلی که شیرازه امور را در کنترل بگیرد مطرح می کند.

گنجی و سردرگمی احزاب ناسیونالیست کرد بویژه در شرایط تاریخی امروز بسیار جالب و دیدنی است. مصطفی هجری بعد از اشاره به شعارهای مردم که پایه های حکومت اسلامی را به لرزه درآورده است، به تکاپو افتاده و می گوید: تا شیرازه حکومت بکلی از هم نیاشییده است باید کاری کرد و بدینوسیله نگرانی خود را از رشد این رادیکالیسم ابراز می دارد و می گوید: با توجه به این اکنون ضرورت تعیین یک رهبری برای این جنبش لازم است که تا سرنگونی رژیم نه تنها آرایش درستی بخود بگیرد بلکه گسترش هم پیدا بکند که بیشتر از پیش مورد نیاز است.

برای احزاب دمکرات و جریان های دیگر ناسیونالیسم کرد و همچنین ملی مذهبی های بیرون از حکومت و خیل اصلاح طلبان کرد، جنبش سبز یعنی جناح مغضوب حکومت، یعنی موسوی و کروبی، همسویی و پشتیبانی آنان از موسوی و کروبی و دیگر مهره های جناح اصلاح طلب رژیم هم چیزی نیست بجز خاک پاشیدن در چشم توده های معترض و انقلابی که عزم جزم کرده اند تا کل حکومت را با اصلاح طلب و نا اصلاح طلبش را جارو کنند.

ناسیونالیسم قومی و به بن بست رسیده کرد طی سالهای اخیر و با رشد جنبشهای اجتماعی چپ و رادیکال در جامعه کردستان، حاشیه ای شده است. بعد از آن ناچارا بسوی سیاستهای نظامی کاخ سفید و بوش روی آوردند و حول آن گرد آمدند. وقتیکه مسئله حمله نظامی آمریکا به ایران مطرح بود، می کوشیدند تا بعنوان نیروی پیاده نظام ارتش آمریکا وارد روستاهای کردستان شوند تا همان ادای طالبانی و بارزانی را در آنسوی مرز از خود دریابورند. بدنبال پائین آمدن امپیر

حمله نظامی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی، احزاب ناسیونالیست کرد نیز این امید را هم از دست دادند و سرشان از بالا و در دالانهای کاخ سفید نیز به سنگ خورد و دچار بی افقی دیگری شدند تا جائیکه بعد از چند ماه و در اثر این یاس و درماندگی به دو حزب و چند گروه دیگر تقسیم شدند و دستشان از آسمان و زمین بریده شد. از سوی دیگر کارنامه ۲۰ ساله احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق نیز به اندازه کافی برای مردم شهرهای کردستان ایران از تعفن و گندیدگی برخوردار بوده است که احتیاجی به کپی سازی آن توسط احزاب دمکرات کردستان و دیگر گروه های ناسیونالیست کرد در آنسوی مرز نباشد.

در مقطع شروع انقلاب مردم برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی در اواخر خرداد ماه امسال، اینها به تکاپو افتادند تا بلکه بتوانند بر بستر اوضاع سیاسی و اعتراضی جامعه، فکری به حال خود بکنند. در چند ماه اخیر هر دو حزب دمکرات کوشیده اند تا به خود تحرکی تازه ببخشند و در روند اوضاع سیاسی، چه در کنار رژیم و چه در کنار جناح موسوی کروبی نقشی بر عهده بگیرند. تقلابهای این احزاب در مصاحبه ها و بیانیه ها و نوشته هایی که تاکنون ارائه داده اند، علاوه بر آنکه تفاوت های جزئی که با هم دارند این است که به هر چیزی چنگ بیندازند تا بلکه سرشان بی کلاه نماند. برای نمونه به موضوع سیاستها و تقلابهای یکسال اخیر این احزاب نگاه کنید:

مذاکره با رژیم در حال سقوط اسلامی، بازگشت به داخل کشور بدون هیچ توقع و خواستی و فقط به شرط اینکه به آنها اجازه فعالیت

مدنی داده شود. کوتاه آمدن از خواست ارتجاعی و عقب مانده ای چون خودمختاری و فدرالیسم. دست شستن از شعار سرنگونی جمهوری اسلامی، ساختن تشکل ملایان، قبل و بعد از انتخابات نیز پشتیبانی و تلاش برای تقویت از جناح مغضوب حکومت، کروبی - موسوی و اصلاح طلبان رژیم.

اینها تنها بخشی از مواضع و سیاستهای این دوره احزاب دمکرات بوده است. چنین سیاستها و مواضعی نشان می دهد که احزاب و جریان های ناسیونالیست کرد تا چه اندازه به خواست و مطالبات دیروز و امروز مردم کردستان نامربوط هستند. از سوی دیگر بعد از شکستهای پی در پی، بن بست و تکه پاره شدنشان، دارند تقلا می کنند تا بلکه از هر نمدی که دم دست بود از آن برای خود کلاهی بسافند. سیاستها و مواضعی که از این احزاب بالاتر برشمرده شد، هیچگونه خانایی با شرایط انقلابی و خواست و مطالبات رادیکال و سرنگونی طلبانه مردم را ندارد و درست در مقابل هم قرار دارد. از این رو این تقلابها تنها برای ایجاد سد و مانع در مقابل حرکت رادیکال و سرنگونی طلبانه مردم است. آمال و آرزوهای این احزاب در قوم پرستی و تقسیم بندی انسانها در یک جامعه هفتاد میلیونی است. از این رو بشدت نگران شده اند و انقلاب و روند اوضاع سیاسی در ایران احزاب ناسیونالیست کرد را نیز بشدت نگران و نا امید کرده است.

مردم کردستان در چنین شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی مورد تعرض توده های میلیونی مردم قرار گرفته است، دوستان و دشمنان خود را بهتر خواهند شناخت. مردم این روزها را فراموش نخواهند کرد که

جریان های مرتجع و غیر مسئول چگونه دارند از سازش و همسویی با حکومت سی سال جنایت و یا همکاری و نزدیکی با بخش مغضوب آن سرشان گرم است. بخشی از این حزب در تلاش است تا با یک حکومت به تمام معنا فاشیست و ضد انسان بسازد و بخش دیگر آن از سر درماندگی به سوی جناح دیگر سر خم کرده است.

تا آنجا که به رژیم جمهوری اسلامی برمیگردد، این رژیم دیگر کوچکترین شانس برای تداوم عمر سپاه خود ندارد. این را خود سران حکومت اسلامی هم می دانند. جناح دیگر حکومت نیز بعد از هفته اول انتخابات، مردم پیامشان را اینگونه به گوش هر دو جناح رسانند که "موسوی بهانه است کل نظام نشانه است". این شعار گویای این حقیقت بود که با نشانه گرفتن کل نظام توسط مردم انقلابی در ایران، کوچکترین شانس برای جناح مغضوب شده هم باقی نخواهد ماند. اما پیام مردم در روز سیزده آبان، ۱۶ آذر و ۶ دیماه نیز تنها اتمام حجتی برای سران حکومت اسلامی در قدرت نبود بلکه پیامی برای خیل اصلاح طلبان ملی مذهبی مرکزی و ناسیونالیستهای محلی نیز بود. سیاستهای چندین ساله احزاب دمکرات کردستان و بویژه مواضع و سیاستهای اخیر آنها، امروز دیگر تنها در جهت ایجاد سد و مانع در مقابل همان رادیکالیسمی است که نه تنها پایه های حکومت اسلامی را بلرز درآورده است بلکه جریان های ناسیونالیست کرد را نیز بشدت دچار نگرانی کرده است این احزاب و سیاستها را باید بیش از این افشا و منزوی ساخت.

۱۸ ژانویه ۲۰۱۰

کانال جدید بزودی برنامه های ۲۴ ساعته خود را شروع خواهد کرد

خوشحالیم به اطلاع برسانیم که تلویزیون ۲۴ ساعته کانال جدید، بزودی برنامه های خود را از ماهواره نایل ست شروع خواهد کرد. مشخصات کانال جدید را به دوستان و آشنایان خود اطلاع دهید و به هر شکل که میتوانید وسیعا آنرا تبلیغ کنید.

مشخصات کانال جدید در ماهواره نایل سات به این قرار است:

Satellite: AB4A/NILESAT103 @ 7 Degrees West

Freq: 10873

Polarity: Vertical

Symbol Rate: 27,500

Fec: 3/4

لازم به توضیح است که دارندگان دیش هاتبرد میتوانند بدون تغییر زاویه دیش و با نصب ال ان بی به نایل سات نیز همزمان دسترسی داشته باشند.

کانال جدید



ما برای بقا می جنگیم و شما برای سود بیشتر



شاپور احسانی راد

هستیم و جرم مان چیزی جز تلاش و مبارزه برای بهره مندی از مواهبی نیست که بدست خود تولید میکنیم.

ما کوه دماوند هستیم، آرام و خاموش. اما این خاموشی ابدی نخواهد بود، بهر اسید از فوران خشم گلذاهای سرخ ما در پیکار برای زندگی. ما برای بقا می جنگیم و شما برای سود بیشتر، ما چیزی جز زنجیرهایمان را برای از دست دادن نداریم.

ما به بند کشیدن هم زنجیرانمان در سندیکی کارگران نیشکر هفت تپه را که برای حداقلی ترین حقوق انسانی خود مبارزه کردند، محکوم میکنیم و تحت هیچ شرایطی شریف ساعد پناه، رضا رخشان و دیگر یاران در زنجیرمان و خانواده های آنان را تنها نخواهیم گذاشت. بی شک زمستان رفتنی است و سیاهی ذغال روی سرمایه داران و حامیان آنها را لکه دار خواهد کرد.

به امید آزادی تمامی کارگران
در بند از زندان
شاپور احسانی راد نماینده
اخراجی کارگران کارخانجات نورد و
پروفیل ساوه و عضو هیئت مدیره
اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۲۷ دی
ماه ۸۸

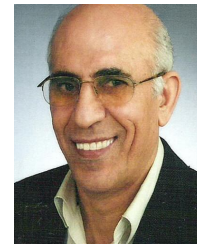
سرمایه داری لجام گسیخته ایران چهره زشت و ارتجاعی خود بیش از هر زمان دیگری به نمایش گذاشته و بطور مداوم کارگران آگاه و حق طلب ایران را به بند میکشد.

دستگیری رضا رخشان پس از به زندان افکندن ۵ کارگر نیشکر هفت تپه و بدنبال آن شریف ساعد پناه از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران استیصال و درماندگی کارفرمایان و سرمایه داران را در مقابله با مبارزات کارگران ایران برای برخورداری از یک زندگی بهتر بیش از پیش برجسته کرد و نشان داد سیستم موجود تاب تحمل حتی ذره ای از حق خواهی کارگران را ندارد.

ما کارگران گریه پسر رضا رخشان و بهانه دختر کوچولوی فریدون را بدنبال پدر از یاد نخواهیم برد و این زخمها را فرو نخواهیم خورد.

ما تولید کنندگان تمامی ثروتها و نعمات موجود در جامعه

دیگر ورق برگشته است سخنی با مسئولین و مأمورین رژیم اسلامی



محمد امین کمانگر

به انقلاب خود جواب سی سال درد و رنج و فساد را که با آن تحمیل کرده اید را بدهد. مردم به میدان آمده اند تا به این تباهی و به سه دهه جنایت مهر پایانی بگذارند. دیگر ورق برگشته است. این دیگر پایان کار شما و حکومت اسلامی تان است.

شما حافظان این نظام اگر این اوضاع انقلابی و این اخطارها را نشنودید و نبینید، شرایط خوبی در روزهای آینده در انتظاراتان خواهد بود. تا کنون ۲۶ مورد از کناره گیری در سفارتخانه ها و مواردی از بر زمین گذاشتن سلاح در داخل کشور به وقوع پیوسته است.

خطاب ما به تمام نیروهای مدافع نظام اسلامی در داخل و خارج کشور است. خطایمان به نیروهای سپاه، بسیج، نیروی انتظامی و همه کسانی است که در سفارتخانه ها و کنسولگریهای رژیم همچنان در جنایت رژیم سهیم و شریک بوده اید اعلام می کنیم که از این حکومت در حال سقوط فاصله بگیرید، جرم خود را بیش از این سنگین نکنید. رژیم اسلامی توسط انقلاب مردم در حال سرنگون شدن است. دستهایتان را بیشتر از این با خون مردم آلوده نکنید. عاقل ترینان کسانی هستند که خود را در آتش خشم انقلاب مردم گرفتار نمی کنند. تا دیر نشده است و در هر کجا که هستید از جنایت علیه مردم و کار و فعالیت با این نظام ضد انسانی دست بکشید و در خارج کشور نیز خود را به کشور میزبان خود تحویل دهید.

شما با اسیر کردن و کشتن جوانان این اعتراضات نه تنها خاموش و ساکت نخواهد شد بلکه هر روز بیشتر و بیشتر شعله ور تر خواهد شد. مردم ایران هیچگاه از کشتن و شکنجه هراسی نداشته اند. این کشتار فقط نشان از ترس و وحشت رهبران حکومت و نیروهای شماس است که در حال ریزشند. ترس از طوفان کوبنده انقلاب مردمی است که عزم جزم کرده اند تا فاسد ترین، ضد انسانی ترین و فاشیستی ترین رژیم تاریخ معاصر را در ایران به زباله دان تاریخ بسپارند.

روز ششم دی ماه، شورش شهر تهران را دیدید، این حرکت شور انگیز این اعتراض برحق گوشه ای از خشم جوانان و مردم ما بود که زمین را زیر پای رهبران و همکارانتان داغ کرده است.

این اعتراضات از قلب هفتاد میلیون انسان بر خواسته است که شبانه روز در جلو چشم شما قرار دارند، کار روزانه شان را انجام می دهند و هزاران رهبر و سازمانده دارد. از بقال سر کوچه تا دانشجویان دانشگاهها، تا کارگران کارخانه ها، تا پرستاران بیمارستانها، تا کارمندان ادارات که در کنار دست شما و همکارانتان کار می کنند، تا معلمان و دانش آموزانی که در مدارس درس می خوانند و نقشه سر نگونی رژیم اسلامی مشق شب شان است، شما و حاکمان اسلامی خون آشامتان با این هفتاد میلیون انسان معترض چکار خواهید کرد؟

سی سال است که دارید قتل و کشتار و جنایت می کنید. هم اکنون جامعه پیا خواسته است تا

رژیم اسلامی ایران در شرایطی سقوط قرار دارد. در طول این هفت ماه و این بار نه تنها در خفا بلکه در مقابل دید جهانیان و حشایه ترین تهاجمات را به مردم کردید، گرفتید، زدید، زندانی کردید، تا توانستید و دلتان خواست شکنجه کردید، تجاوز کردید و کشتید، به بیمارستانها اخطار دادید تا زخمیها را نپذیرند، بسیاری از زخمیها در اطاقهای عمل یا روی تخت بیمارستانها با زور اسلحه همقطارانان رسیده شدند و به غیر انسانی ترین شیوه در سیاهچالها توسط شکنجه گران به قتل رسیدند. به فرمان رهبرتان خامنه ای، خیل نیروهای انتظامی و بسیجی و لباس شخصی و سپاه به خیابانها گسیل شدند، تا بکشند، تا بسوزانند، اموال مردم را در اوج شقاوت و بی رحمی در هم کوبیدند. زن و مرد و پیر و جوان را زدند، خون ریختند تا ترس و وحشت و سیاهی را بر جامعه حاکم نمایند، شکار چپان انسان را سازمان دادند آشکار و نهان دست به آدم ربایی زدند. جوانان را اسیر کردند و در بسیدادگاههای نظام اسلامیتان حکم قتل آنان را صادر نمودند. تا بزعم رهبرانتان شاید اینها رهبران این خیزش عظیم مردمی باشند و این اعتراضات خاموش شود. اما تا کنون دریافته

زنده باد انقلاب
زنده باد انسانیت
۱۷ ژانویه ۲۰۱۰

در مقابل ارتجاع اسلامی نه خرده اصلاح طلبان امروز، بلکه صف کمونیسم و آزادیخواهی و مساوات طلبی کارگری، صف سکولاریسم پیکر و ضد مذهب، صف مدرنیسم و صف رهایی بی چون و چرای زن را خواهیم یافت.

منصور حکمت

وبلاگ "دنیایی شایسته کودکان"



مراجع کنندگان سایت های مختلف،

وبلاگ "دنیایی شایسته کودکان" بصورت مرتب خبر و گزارش هایی از ایران و از اقصا نقاط دنیا در باره کودکان در اختیار همه قرار میدهد. این وبلاگ بکوشش رویا بحرینی و همکاری مهرا محبوی شروع و ادامه کاری میدهد. خواهشا آترا بشرط تمایل بین دوستانان تبلیغ کنید. هدف این وبلاگ آگاهی بیشتر اعضای جامعه ایران و علاقه مندان به آن از موقعیت کودکان در ایران و بقیه کشورها است.

آدرس این وبلاگ شرح زیر است:

<http://www.shayestekodakan.blogspot.com>

رویا بحرینی مهرا محبوی ۱۵ ژانویه ۲۰۱۰

زنده باد انقلاب انسانی برای یک حکومت انسانی

باز هم حکم تکه پاره کردن دو نفر از سوی "دادگاههای" حکومت اسلامی!

همه قوانین ضد انسانی اسلامی و از جمله سنگسار باید از ایران جارو شوند! این فرمان انقلاب مردم است!



مینا احدی

تصور کنید در این قرن و در روز روشن، در مقابل چشم هزاران نفر، مشت‌های جلاد و خونریز، زنان را به "اتهام" رابطه جنسی خارج از ازدواج، در خاک فرو کرده و با پرتاب سنگ زجر کش می‌کنند، این نمونه بارز وحشیگری باندهای اسلامی است و حکومت اسلامی ایران سی سال است که در این زمینه نیز رکوددار است.

سران این حکومت از خمینی تا خامنه ای و از احمدی نژاد تا خاتمی، همگی دستشان به خون صدها زن و یا مرد سنگسار شده، آلوده است و به جرم این جنایات غیر قابل تصور و وحشیانه باید همه اینها در دادگاههای بین المللی پاسخگوی این جنایت علیه بشریت باشند.

بر علیه سنگسار در ایران و در دنیا، بسیار حرف زده شده و مبارزات زیادی علیه این سببیت اسلامی شده است. اما از نظر من این اعتراضات ادا کافی نبوده و من معتقدم، دنیا به نوعی، این وحشیگری باندهای اسلامی، این جنایات و این سببیت غیرقابل توصیف را قورت داد و به آن عادت کرد. صحبت کردن از سنگسار و کلمات منجر کننده ای همچون "زنا" و دخالت در روابط خصوصی افراد و بویژه زنان، به نوعی عادی شده و انگار وقتی دو نفر دیگر به سنگسار محکوم میشوند، میتوان در مورد آنها گزارشی داد و مشغول کارهای روزمره شد.

این بار در اوج مبارزات میلیونی مردم علیه بنیانهای حکومت اسلامی دو نفر به سنگسار محکوم میشوند. سریمه عبادی ۳۰ ساله، مادر دو کودک و بوعلی جانفشانی ۳۲ ساله پدر یک کودک در زندانی در ارومیه، به انتظار اجرای حکم سنگسار هستند. آمار دقیق کسانی که در زندانهای حکومت اسلامی، منتظر اجرای این "احکام" وحشیانه هستند روشن نیست. کمیته بین المللی علیه سنگسار از محکومیت ۱۳ نفر به سنگسار مطلع است و ما مطمئن هستیم که آمار بسیار بیشتر از اینهاست.

سنگسار وحشیانه ترین و غیر انسانی ترین رفتار با قربانیان است. سنگسار این سببیت اسلامی، وسیله مهمی در دست جنبش اسلامی و تروریستهای اسلامی برای ایجاد شوک در جامعه و ترساندن مردم بوده است.

که باید با صف متحد و گسترده همه آزادیخواهان و همه انسانها مواجه میشد. در ایران با روی کار آمدن حکومت اسلامی، سنگسار جزو قوانین آن مملکت شد و حکومت اسلامی سردمدار سنگسارها در دنیا شد و به آن رسمیت و شدت بیشتری بخشید. دنیا به پا نخاست و به این جنایات اعتراض عظیم و جهانی نشد و نمیشود. چرا؟ چرا کماکان زنان و مردان به سنگسار محکوم میشوند و دنیا با خونسردی و صبر به این فجایع نگاه میکند.

یک موضوع در این میان حیاتی است. سنگسار برای ایجاد وحشت است و این تاثیر را نیز تا کنون داشته است. اما در اعماق جامعه و در ذهن های بسیاری، زنی که متهم به رابطه خارج از ازدواج است، بهر حال "جرمی" مرتکب است که در نزد، جنبش ملی اسلامی، و بسیاری از به اصطلاح "روشنفکران همیشه مسلمان"، مجازات لازم میشود، اما از نظر آنها طبعاً "مجازاتی متناسب با جرم"! بی دلیل نبود و نیست که در کشورهای اسلام زده، اعتراض به این جنایت علیه بشریت چندان زیاد نبود. افکار عقب مانده و صنعت خرافه پراکنی، بهرماره وحشت از سنگسار و وحشت از سنگسار کنندگان و تروریستهای اسلامی حاکم بر جوامع اسلام زده، دست به دست هم داده و به نوعی "تولرانس" در مقابل سنگسار را باعث شد.

در غرب و کشورهای اروپایی، بنا به منافع دوول غربی در ادامه

روابط حسنه اقتصادی و سیاسی با جنبش اسلامی و مثلاً حکومت اسلامی ایران، رسانه های اصلی در مورد این جنایات سکوت کرده و دولتها در نهایت انتقاد آبیکی در پشت درهای بسته، خطاب به جانپان اسلامی مطرح کرده و این موضوع را پایان یافته تلقی میکردند. در این میان، خیل روشنفکران و اسلام شناسان نان به نرخ روز خور و چپ سنتی و مالتی کالتالیستها در کشورهای غربی به کمک این دوول می آمدند که میگفتند، "ایران جامعه اسلامی است و فرهنگ آنها با ما فرق دارد و حقوق بشر جهانشمول نیست و بستگی به تعلق فرهنگی افراد دارد و ممکن است زن متولد ایران و زن مسلمان، از چیزهایی خوش بیاید که برای زن غربی غیر قابل تحمل است، ممکن است زن مسلمان از چادر خوشش بیاید، از حقوق اسلامی خوشش بیاید، از ناموس پرستی خوشش بیاید و.... از سنگسار هم شاید زیاد بدش نیاید.. اینها مسلمان هستند و فرهنگشان با ما متفاوت است.....!!!!!!

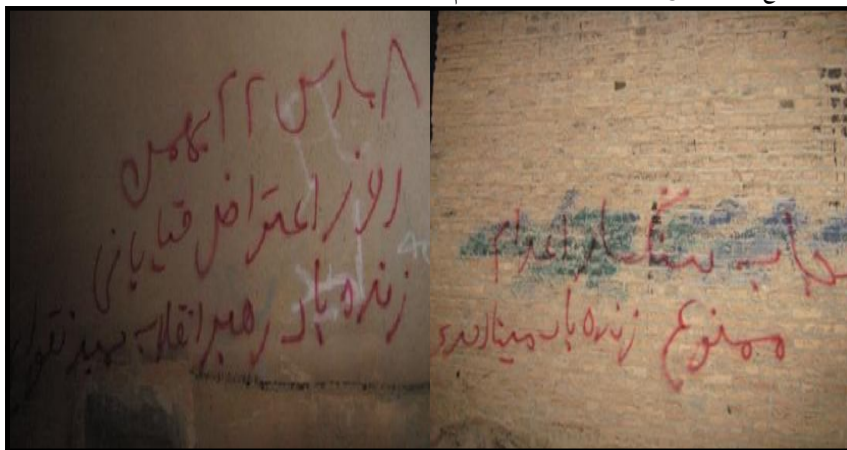
همه اینها دست به دست هم داد و ما امروز در این نقطه ایستاده ایم... یک زن و یک مرد جوان به سنگسار محکوم میشوند، یک مرد سومالیایی یک ماه پیش سنگسار میشود، دختر جوانی در عراق سنگسار میشود، جعفر کیانی در ایران سنگسار میشود، عبدالله فریور به اتهام رابطه جنسی بیجای سنگسار اعدام میشود و....

و ما صورانه اخبار این جنایات را نگاه میکنیم و مشغول کارهای روزانه میشویم...

به این جنایات و سببیت اسلامی بسیار بیش از اینها باید اعتراض کرد. جنبش انقلابی مردم ایران، در این مورد نیز، به کمک جنبش اعتراضی علیه سنگسار آمده و یک نقطه عطف در مبارزات ما بر علیه سنگسار ایجاد میکند. این جنبش پاسخ محکمی است به مالتی کالتالیستها به دوول غربی و به روشنفکران همیشه مسلمان کشورهای اسلام زده، به جنبش ملی اسلامی و همچنین و مهمتر از همه انقلاب در ایران پایه های حکومت سنگسار را ویران میکند.

در این روزهای مهم و تاریخساز، باید به نبرد با این وحشیگری اسلامی پرداخت، باید جان محکومین به سنگسار را نجات داد و باید علیه فرهنگ و اخلاقیات عقب مانده، شرق زده و ضد زن اسلامی بسیار بیش از اینها نوشت و آگاهگری کرد. باید لکنت زبان را کنار گذاشت و به نقد جنبش اسلامی و اسلام پرداخت. آینده در ایران باید آینده ای روشن و بدون دخالت مذهب در زندگی و در رختخوابهای مردم باشد.

مینا احدی
کلن - آلمان
۱۹ ژانویه ۲۰۱۰
www.minaahadi.com
minaahadi@aol.com



دستفروشان و مردم مبارز سندج تهاجم ماموران رژیم را ناکام گذاشتند



شکست و عقب نشینی مزدوران سرکوبگر گارد ویژه و نیروی انتظامی پایان یافت.

کمیته کردستان حزب به دستفروشان و مردم مبارز شهر سندج درود می فرستد و این اقدام جسورانه آنان را ارج می نهد. مردم نباید اجازه هیچ گونه دست درازی و ایجاد مزاحمت از سوی مقامات و نهادهای حکومتی به حریم کار و زندگی مردم زحمتکش را بدهند.

نبايد اجازه داد که این جانبان بیش از این زندگی مردم را به نیستی بکشانند. کمیته کردستان حزب از همه مردم مبارز و شرافتمند سندج و دیگر شهرهای کردستان می خواهد که همگام با اعتراضات و مبارزات مردم سراسر کشور در مقابل هر گونه زورگویی مزدوران حکومت دست در دست هم، متحد و یکپارچه بایستند و پاسخ محکم و دندان شکنی به ماموران و جانبان حکومت بدهند

سرتگون باد
رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد همبستگی مبارزاتی
مردم آزاد بخواد
کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۲۴ دی ۸۸ - ۱۴ ژانیه ۲۰۱۰

بنا به گزارش رسیده به کمیته کردستان حزب روز چهارشنبه ۲۳ دیماه ساعت ۹ صبح ماموران شهرداری سندج به دستور شهردار به دستفروشان خیابان انقلاب حمله کردند. این دستور شهرداری تنها شامل حال دستفروشان نبود بلکه مغازه دارانی که بخشی از وسایل خود را در جلو مغازه هایشان چیده بودند نیز مورد تهاجم قرار گرفتند. دستفروشان و مغازه داران نیز با ماموران شهرداری درگیر شدند. ماموران شهرداری که توانایی مقابله با آنها را نداشتند رفتند و با تعدادی از ماموران نیروی انتظامی برگشتند.

مردم حاضر در محل بلافاصله به کمک دستفروشان آمدند و به ماموران حمله کرده و آنان را عقب راندند. ماموران نیروی انتظامی از آنجا که یاری مقابله با مردم و دستفروشان را نداشتند، ناچار به دور شدن از محل شدند. این مزدوران برای سومین بار با گارد ویژه به محل آمدند.

نیروهای سرکوبگران این بار تلاش کردند با دستگیری چند نفر وضعیت را به نفع خود تغییر دهند اما با حمایت بیشتری از جانب مردم در پشتیبانی از دستفروشان روبرو شدند که منجر به آزاد شدن دستگیر شدگان گردید. در این اثنا مردم حاضر در محل مزدوران سرکوبگر رژیم را هو کردند و آنها نیز ناچار به ترک محل شدند. این درگیری تا ساعت یازده صبح و به مدت دو ساعت ادامه یافت که با

۶- شورا معتقد است خصوصی سازی ذوب آهن، تاثیراتی مصیبت بار بر زندگی و کار کارگران خواهد گذاشت و تجربه خصوصی سازی در دوران سازندگی و تاثیر آن بر معیشت و شرایط کاری کارگران را گواهی بر این ادعا می داند. تجربه ای که همه ما کارگران هر روزه در ذوب آهن شاهد آن هستیم.

۷- شورا هزینه های میلیاردي و قراردادهای چندصد میلیونی در فوتبال ذوب آهن را، در وضعیتی که حقوق و پاداش کارگران رسمی با تاخیر پرداخت می شود و حقوق سایر کارگران در زیر خط فقر قرار دارد که آن هم به موقع پرداخت نمی شود بی عدالتی محض می داند.

۸- شورا هفته نامه داخلی آتشکار را تریبونی برای خودستایی مدیران و ادعاهای گزافی - مانند تولید و تحویل ریل ملی به شرکت راه آهن- می داند که دروغ بودن شان بر همه کارگران آشکار است. شورا خواستار درج گزارش وضعیت پرداخت حقوق کارگران شرکتی و اعتراضات کارگری پوشش کامل حوادث منجر به فوت و نقص عضو، اعلام نام کارگرانی که در اثر حوادث کاری جان می سپارند و نیز آرایه آمار ماهانه حوادث کاری ده هفته نامه آتشکار می باشد.

۹- شورا با توجه به نبود امکان فعالیت علنی، تمامی کارگران را به تشکیل خودجوش هسته های کارگری در سرتاسر ذوب آهن فرا می خواند و بر این باور است که بدون تشکیل این هسته ها توسط خود کارگران، امکان پیشبرد خواسته های آنان وجود نخواهد داشت. نقش این هسته ها آگاهی بخشی، ایجاد وحدت و همبستگی میان کارگران و انتخاب افرادی برای رهبری فعالیت های آنان خواهد بود. این هسته ها می توانند بر محور محافل دوستانه تفریحات گروهی صندوق های قرض الحسنه کارگری و ... شکل بگیرند.

دستان را می فشاریم.
شورای موقت کارگران ذوب آهن
اصفهان - دی ماه ۸۸
این بیانیه به ایمیل اتحادیه آزاد
کارگران ایران ارسال شده است

XXXXXX

زندگی بهتر حق کارگر است بیانیه اعلام موجودیت شورای موقت کارگران ذوب آهن اصفهان



برابر آن مسئول اند. شورا ایجاد تبعیض میان کارگران را سیاستی در جهت ایجاد تفرقه و تشتت در صفوف آنان ارزیابی می کند.

۲- شورا اعتقاد دارد که اعتصاب حق مسلم کارگران است، و در شرایطی که بسیاری از کارگران شرکت ها دو تا شش ماه از حقوق خود را دریافت نکرده اند، اعتصاب را تنها سلاح کارگران می داند. شورا با کارگران شجاع احیا گستران اسپادان، نسوز آذر، ایشارگران حدید نصیر بنیاد و تمامی کارگرانی که طی این مدت دست به اعتصاب زده اند اعلام همبستگی می کند.

۳- شورا نسبت به تاخیر در پرداخت حقوق و پاداش ماهانه کارگران رسمی و احتمال کاهش یا حذف پاداش ها هشدار می دهد و در صورت چنین اتفاقی توسل این کارگران به اعتصاب غذا، اعتصاب سفید (کم کاری و اخلال در روند تولید) و در نهایت اعتصاب کاری را مجاز و مشروع می داند.

۴- شورا سیاست کارخانه را در کلیه حوادث ایمنی، یعنی سرشکن کردن تمام تقصیرها میان کارگران به ویژه حوادث منجر به فوت و نقص عضو سیاستی ضد انسانی قلمداد می کند و علت عمده حوادث ایمنی را شرایط سخت کاری تکنولوژی فرسوده و شتاب و فشار مدیریت بر کارگران برای تولید هر چه بیشتر می داند.

۵- شورا حقوق حداکثر ۴۰۰ هزار تومانی را برای کارگران قرارداد مستقیم و شرکتهای پیمانکاری در شرایطی که طبق آمار رسمی خط فقر يك خانوار شهری ۸۰۰ هزار تومان اعلام شده است -

را ستمی آشکار به کارگران و خانواده های شان می داند و خواهان برداشته شدن گام به گام تبعیض میان کارگران رسمی و سایر کارگران می باشد.

کارخانه ذوب آهن اصفهان همواره یکی از بزرگترین مجموعه های کارگری ایران بوده و می باشد. با این همه و به رغم حرکت های کوچک و بزرگ کارگران ذوب آهن برای احقاق حقوق و بهبود شرایط کاری خود، آنان از داشتن هر گونه تشکل کارگری برای دفاع از حقوق و پیگیری مطالبات بحق خود محروم بوده اند. اینک با توجه به شرایط دشوار کارگران و نیز آینده مبهم در پیش رو، و درحالی که بحرانهای اقتصادی فشار مضاعف و کمربندی به قشر کارگر وارد می کنند، ما جمعی از کارگران ذوب آهن بر آن شدیم تا در نخستین گام برای دفاع از حقوق کارگران و انسجام بخشیدن به صفوف پراکنده آنان، تشکیل ((شورای موقت کارگران ذوب آهن اصفهان)) را اعلام نماییم. از آنجا که این شورا در شرایط غیرعلنی تشکیل شده و منتخب آرای کارگران کارخانه نمی باشد، لذا عنوان ((شورای موقت)) را برای خود بر می گزیند ولی با این حال متعهد می گردد که در صورت فراهم شدن شرایط مساعد در اولین فرصت، انتخاباتی آزاد با شرکت تمامی کارگران کارخانه برگزار کند. تا آن زمان شورا به نمایندگی از تمامی کارگران کارخانه، برای دفاع از حقوق آنان خواهد کوشید و تصمیمات خود را از طریق صدور بیانیه به اطلاع آنان خواهد رساند.

شورا خط مشی، دیدگاه ها و مواضع خود را به شرح زیر اعلام می دارد:

۱- شورا تمامی کارگران را یکسان و برابر می داند و بر این باور است که تبعیض های پیدا و پنهان میان کارگران رسمی و قرارداد مستقیم و شرکت های پیمانکاری را نه کارگران بلکه تصمیم گیرندگان جامعه به وجود آورده اند و همانان در



www.hekmat.public-archive.net
www.wpiran.org



هشت مارس باید حجاب این سمبل بردگی زن را بدور انداخت و آتش زد. بارها گفته ایم که با بدور انداختن حجابها یکی از اصلی ترین ستونهای حکومت اسلامی ریزش خواهد کرد. هشت مارس امسال در شرایطی توسط زنان و مردان و انسانهای آزادیخواه گرامی داشته میشود که یک حکومت سرپا ضد زن روزهای پایانی عمرش را سپری می کند. به میدان آمدن وسیع و قدرتمند زنان و مردان در این روز از آن جهت اهمیت دارد که بیش از هفت ماه است انقلاب مردم برای به زیر کشیدن این حکومت وارد مراحل حساس و تعیین کننده ای شده است. می توان و باید در این روز حجاب سوزان براه انداخت. از هم اکنون باید با شعار نویسی بر در و دیوار شهرها، با پخش اعلامیه و تراکت، همگان را برای شرکت در بزرگداشت هشت مارس روز جهانی زن، در هر ظرفیتی که ممکن است فرا خواند.

زنده باد هشت مارس
روز جهانی زن
به امید پیروزی انقلاب
به امید یک دنیای بهتر
۱۷ ژانویه ۲۰۱۰

روزها و مناسبتهای مختلف خصوصاً در ششم دیمه، امید به رهایی جامعه ۷۰ میلیونی در دلها زنده شد حتی آنهایی که امیدی به انقلاب نداشتند با اشتیاق این تغییر و دگرگونی سریع اوضاع ایران را دنبال می کنند همه شاد و خوشحال به هم مژه رفتنی بودن این سیاهی را نوید می دهند. شادی و خنده از وارد آوردن ضربات دیگری بر پیکر نیمه جان رژیم در فضای خانه ها، مراکز کار و اماکن عمومی و... موج می زند.

رژیم اسلامی رفتنی است و دارد روزهای پایان عمرش را سپری می کند. سرکوب بیشتر، تصویب قوانین زن ستیز، روی آوردن به اعدام بیشتر و بکار بستن آخرین حد توحش، آب در هاون کوبیدن است و نخواهد توانست خللی در این مبارزه شور انگیز ایجاد کند. هشت مارس در راه است و همانگونه که زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب در سالهای گذشته و در دفاع از حقوق برابر زنان و مردان، حکومت اسلامی ضد زن را به چالش طلبیده اند، هشت مارس امسال نیز با بکار گیری ابتکارات لازم ضربات دیگری را بر پیکر این رژیم ضد زن وارد خواهند ساخت. در

با نگاهی به این موارد می بینیم که جمهوری اسلامی با ترس و وحشتی که از زنان دارد چگونه میخواهد قوانین ۱۴۰۰ سال پیش را بر زندگی آنان جاری کند و آنان را از به میدان آمدن برحذر دارد. زنان مدرن و برابری طلبی را که از ابتدای روی کار آمدن این بختک سیاه همانند کابوسی بر حاکمیت ارتجاع اسلامی سایه انداخته اند و در هیچ برهه ای از تاریخ نه سر سازش و نه سر تسلیم فرود نیاوردند. در واقع انقلابی که بعد از ۲۲ خرداد در ایران شروع شده است نشان از گسترده گی حضور فعال زنانی دارد که رژیم با تصویب این قوانین شنیع به جنگ آنها رفته و در حالی آن را شدت می بخشد که شاهد ریزش آوار قدرتش است که بخشی از این فروپاشی قدرت را زنان بدست گرفته اند. در روز عاشواری مقدس حکومت اسلامی بسیاری از زنان حجابهایشان را به دور انداخته بودند و بدون حجاب این سمبل حاکمیت ارتجاع اسلامی در میدان مبارزه حضور داشتند. در روز ۹ دیمه که رژیم خواست در جواب تظاهرات ۶ دی تعدادی را به زور و با تهدید به برکناری از کار و... و همچنین با دادن سرویس و ساندیس به تظاهرات در دفاع از خود بکشاند باز هم شاهد حضور زنانی بودیم که بی حجاب عکس خامنه ای را در دست داشتند و باز در این روز یک رسوایی تمام عیار را برای خود رقم زدند.

پرواضح است که این صحنه های مبارزات پرشور، رژیم را به وحشت انداخته است و می کوشد تا از هر سو تهدید و ارباع را افزایش دهد و برای مردم خط و نشان میکشد. اینکه در این شرایط و در پایان عمر ننگین خود در مجلس مشغول تصویب قوانین زن ستیزانه است تنها بخاطر حفظ ظاهر و لاپوشانی پریشان حالی اش است و اکنون به ساختمانی می ماند که ستونهایش شکسته باشد و هر آن ممکن است فرو بریزد. با شدت گرفتن مبارزات پی در پی مردم علیه رژیم مفلوک اسلامی و در

حجاب این سمبل بردگی ...

ازصفحه ۱

ترور اسلامی به خیابان آمده بودند، مجلس شورای اسلامی رژیم باز هم مشغول تصویب قوانینی علیه زنان بود که با استناد به گزارش ایسنا سخنگوی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ۱۰ مورد از ماده ۲۳ قانون حمایت از خانواده در رابطه با ازدواج مجدد مردان را تصویب کرده است که هر کدام از این موارد علاوه بر وجه زن ستیزی اش به وضوح چند همسری و انواع راههای به بند کشیدن زنان را نشان میدهد تا بدین وسیله زنان را به تمکین و اطاعت واداشته و به کنج خانه ها بکشاند.

در زیر گزارش کامل ایسنا در این رابطه آمده است.

۱۰ مجوز مجلس برای ازدواج مجدد مردان

ایسنا: سخنگوی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی گفت: در جلسه ی روز گذشته این کمیسیون ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده مبنی بر اجازت ازدواج مجدد به مردان در ۱۰ مورد تصویب شد. امین حسین رحیمی در توضیح موارد تصویبی ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده گفت: رضایت همسر اول، عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی، عدم تمکین زن از شوهر مطابق با حکم دادگاه، ابتلای زن به جنون یا امراض صعب العلاج، ۴ مورد از ۱۰ موردی است که مرد اجازه ازدواج مجدد دارد. وی محکومیت قطعی زن در جرایم عمدی به مجازات یک سال زندان یا جزای نقدی که بر اثر عجز از پرداخت منجر به یک سال بازداشت شود را به عنوان دیگر مورد تصویبی ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده برشمرد و در توضیح این بند گفت: اگر زنی با ارتکاب جرم عمدی مثل صدور چک بلامحل، سرقت و ... -البته شامل جرایمی همچون جرایم مربوط به رانندگی که حتی جریمه زندان هم داده نمی شود-، حکم قطعی

محکومیت یک سال زندان برایش صادر شود، مرد به محض صدور حکم قطعی می تواند تقاضای ازدواج مجدد کند اما اگر زن با ارتکاب جرم عمدی به جزای نقدی محکوم شود، ولی به دلیل عدم توان پرداخت این جزای نقدی، بازداشت شود در این صورت مرد پس از انقضای مدت یک سال بازداشت می تواند تقاضای ازدواج مجدد کند.

نماینده مردم ملایر در خانه ملت، بند ۶ ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده را ابتلای زن به هرگونه اعتیاد مضر حال خانواده به تشخیص دادگاه عنوان کرد و در توضیح بندهای ۷ این ماده گفت: سوء رفتار یا سوء معاشرت زن به حدی که ادامه زندگی را برای مرد غیر قابل تحمل کند به عنوان بند ۷ ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده مطرح شده است.

رحیمی بند ۸ ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده را ترك زندگی خانوادگی از طرف زن به مدت ۶ ماه عنوان و اظهار کرد: اگر ترك زندگی مشترک از طرف زن به مدت ۶ ماه باشد، مرد می تواند تقاضای ازدواج مجدد کند. وی عقیم بودن زن و غایب شدن زن به مدت یک سال را به عنوان بندهای ۹ و ۱۰ ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده برشمرد و یادآور شد: غایب شدن زن به مدت یک سال با ترك زندگی متفاوت است؛ به گونه ای که ترك زندگی زن به معنای رفتن به خانه پدری، بستگان و ... است و غایب شدن به معنای این است که کسی نداند زن کجا رفته و اثری از او نباشد. سخنگوی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی گفت: دادگاه تحت عنوان این ۱۰ بند می تواند اجازت ازدواج مجدد مرد را صادر کند البته تبصره ای در رابطه با نحوه رسیدگی دادگاه در رابطه با احراز عدالت و توانایی مالی و ... وجود دارد که در جلسه آینده مورد بررسی قرار می گیرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!